

باب یازدهم
لوح مبارک در جواب چند سؤال
جمال مبارک در لوح ورقای شهید میفرماید قوله تعالی :

1 - درباره اکسیر

" درباره اکسیر مرقوم فرموده بودند مکرر این کلمه علیا از لسان مالک اسماء شنیده شد قوله جل بیانه و عز برهانه یا عبد حاضر آنچه درباره اکسیر از اسماء مشیت الهی نازل نظر به سؤال عباد بوده مکرر سؤال نموده‌اند تا آنکه نازل شد آنچه نازل شد والا قلم اعلی تعرض نمینمود و اقبال بذکر این امور نداشته و ندارد انبیاء ذکر فرموده‌اند و همچنین حکما. در وجود و عدم این صنع گفتگوهای لا تحصی بمیان آمده بعضی گفته‌اند اجساد غیر ذهب بواسطه امراض از بلوغ باین مقام ممنوعند و قوت و اعتدال اکسیر رفع مینماید و بلون و کینونیت اصلی ظاهر میشوند و برخی این فقره را محال دانسته‌اند چنانچه گفته‌اند این فلزات هر یک از اجزاء مختلفه ترکیب شده اکسیر عاجز است از تصرف در اشیاء مختلفه متناقضه جمهوری از حکماء قلب ماهیت را محال دانسته‌اند کتب قوم مشحونست باین انکار و اعتراضات و اختلافات حکما از فلاسفه و غیرهم ولکن اگر صاحب فؤاد و بصر در بیاناتیکه از قلم اعلی جاری شده تفکر نماید امر وجود و عدم بر او ظاهر و هویدا و آشکار شود " انتهى

این عبد عرایض دوستان الهی را که از این امر سؤال نموده‌اند عرض نموده و بعضی در سؤال بکمال اصرار ظاهر لذا جاری شده از قلم اعلی آنچه موجود است وقتی این کلمه علیا استماع شد فرمودند " یا عبد حاضر اگر جواب نازل نشود بیم آنست بر عدم علم الهی حمل نمایند " انتهى .

و بهر نفسی جواب نازل حکم منع در او بوده الا یک یا دو حکم منع بر اشتغال باین عمل مکرر نازل حکمت قبل بالمره با حکمت حال مختلف شده در عناصر و در سیارات و همچنین در حرکات و ارواح و اجساد اختلافات کلیه ظاهر چه در تأثیرات

و چه در اعداد و البته در سنین بعد هم ظاهر شود آنچه از عیون مستور است و این ظهور اعظم سبب و علت است از برای فتح ابواب علوم و حکم احدی علوم و جنود حق را تا حین بتمامه احصا ننموده چه بسیار از شمس ظاهره که دیده نشده و چه بسیار از اقمار که از ابصار مستور است

2 - درباره مکاشفات یوحنا

" اینکه درباره مکاشفات یوحنا علیه بهاء الله الابهی مرقوم داشتند صحیح است ایشان بکمال تصریح ذکر فرموده اند چنانچه میفرماید مدینهء جدیده از آسمان نازل یعنی اورشلیم جدیده در اورشلیم نازل میشود چنانچه نازل شد "

3 - درباره در المنظم

اینکه ذکر در منظم و روایات مذکوره در آن را فرمودند مطابق است و موافق و لکن ناس مخالف و منافق .

4 - درباره حضرت شیخ و حضرت سید

اینکه درباره حضرت شیخ و حضرت سید علیهما من کل بهاء ابهه مرقوم داشتند که در نزد بعضی از احباب از مراتب و مقامات ایشان صحبت میشود که ظهور احمدی مقام سماوی محمدی است و رتبه رسالت بایشان معروض شد و قبول نمودند آیا این اقوال مأخذی دارد یا از اوهام افهام است البته از اوهام افهام بوده و هست

فخر احمد در آن است که بیعضی از اسرار نبوت آگاه شد و حامل امانت گشت این مقام بسیار عظیم است یکفیه و رب العالمین

بعضی از عرفا هم گفته اند آنچه را که شایسته نبوده بعضی باطن درست کرده اند و خود را از اهل آن دانسته اند لعمر الله در ساحت حق از بعوضه پست ترند عارف بی انصافی گفته مقام نبوت مقام نبأ است و مقام مکاشفه و مشاهده فوق آنست ثانی را مقام اولیا و اول را مقام انبیا دانسته این بی بصر بی حقیقت این قدر ادراک ننموده که نبأ انبیا بعد از مکاشفه و مشاهده بوده بهم ظهر کل امر حکیم و کل سر عظیم معدن نبوت و ولایت انبیا بوده اند و بکلمه انبیا اولیا در ارض ظاهر باری اکثری از عباد بهوی نطق نموده و می نمایند

این اختلافات که مشاهده میشود کل از معتدین و ملحدین بوده و هست هر نفسی بخواهد عدد شعبه های طریقت را که الیوم ما بین ناس مذکور و مشهود است احصا نماید باید مدتی اوقات صرف کند نفوس جاهله غافله ناس را مبتلا نموده اند بکمال روح و ریحان و حکمت القاء نمائید آنچه را که سزاوار است و مقام حضرت شیخ و مرفوع سید علیهما بهاء الله و عنایاته بسیار عظیم است وقتی از اوقات این کلمه مبارکه از معدن حکمت الهی ظاهر فرمودند یا عبد حاضر حضرت احمد و کاظم آگاه بودند و از معانی کتب الهی مطلع و با خبر نظر بجزب قلوب بعضی بیانات فرموده اند و مقصود تقرب ناس بوده که شاید بکلمه حق فائز شوند چنانچه فائز شدند نفوسیکه اول بشریعه الهی وارد گشتند آنحزب بوده و این فقره گواه است بر آگاهی و علم و حکمت و سبیل مستقیمی که بآن متمسک بوده اند هنیئاً لهم " انتھی

در اواخر مکرر حضرت سید علیه من کل بهاء ابهه میفرمودند آیا نمیخواهید من بروم و حق ظاهر شود اصل مقصود این کلمه بوده و لکن نظر بمقتضیات حکمت ظاهر شد از ایشان آنچه ظاهر شد

5 - درباره مظاهر امر

و اینکه از مظاهر امر سؤال نمودند ایشان در بطن ام دارای مقامات بوده و هستند و بمقتضیات اوقات و اسباب ظاهر شده

6 - درباره آیه مبارکه من یدعی امرا

اینکه از آیه مبارکه منزله در کتاب اقدس سؤال شده قوله تبارک و تعالی : " من یدعی امراً قبل اتمام الف سنة كاملة الی آخر بیان الله این فقره عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة " یا ایها الناظر الی الوجه و الطائف حول الامر آنچه عرفانش بر کل لازم بود در این آیه مبارکه نازل و بر کل فرض است اقرار بآن و تمسک بآن اکثری از جهال غافلند و در سبیل او هام سالک و ناس هم اکثری بی خبر لذا این آیه مبارکه محض فضل نازل تا متابعت هر ناطقی ننمایند و سبب تزییع امر الله نشوند " انتھی

فی الحقیقه این آیه مبارکه عنایتی است بزرگ از برای کل چه که آن محبوب میدانند هر روز از شطری نعیمی ظاهر و همچنین اعمالی که سبب و علت تضییع امر الله بوده گمانشان آنکه امر الله بمتابه لعب اطفال است هر یوم بلعبی مشغول و بکلمه ناطق قد خسر الذین نطقوا بما لا اذن الله لهم و عملوا ما بکت به عین العدل و الانصاف باید آن محبوب ناس را متذکر دارند

7 - درباره آیه مبارکه هذا لهو العلم المکنون الذی لن یتغیر

و اینکه از آیه مبارکه اخری سؤال نمودند قوله تبارک و تعالی : " قل هذا لهو العلم المکنون الذی لن یتغیر " مقصود این بیان از باقی آیه مستفاد میشود قوله تعالی : " لانه بدء بالطاء المدلة على الاسم المخزون الظاهر الممتنع المنيع و عدد تقسیم با عدد جامع کسور تسعه مطابق و موافق است امروز عالم غیب و شهاده طائف طاء مدله است لعمر مقصودنا و مقصودکم و مقصود من فی السموات و الارض مخزون است در این سلطان حروف یعنی طا آنچه که اقلام عالم از ذکرش عاجز و قاصر است....."